

تبیین فقدان منظر شهری به مثابه پرابلماتیک خیابانی

مطالعه موردی: بلوار آیت اله هاشمی رفسنجان (ملاصدرا) شهرزنگان

عیسی پیری، لیلا هاشمی^۱*

۱_ استادیار، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنگان isapiri@znu.ac.ir

۲_ دانشجوی کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنگان Hashemi.leila@znu.ac.ir

چکیده

در انعکاس اندیشه های مدرنیستی شهرها، کلانشهرها، و پسا کلانشهرها منظر خیابانی، هنری در ساخت و ترکیب عینیت هایی برای تجربه شهری و خوانشی از ساختار شهر است، منظر، هویتی از شهر است که می تواند خوانا و یا مبهم و نا آشنا باشد. تضعیف پراکسیس های اجتماعی، نمود اتومبیل محوری مطلق، اغتشاشات بصری و بی منظری، گم گشتگی محله ایی حاصل ظهور بزرگراه ها و اتوبان های مواصلاتی، افول فرهنگ سنتی و تحدید حیات اجتماعی، تخریب هویت مندی شهری و مهم تر از همه فقدان مقیاس انسانی در خیابان، سال هاست که به موجب مدرنیسم عقیم و ناکارآمد، همچنان مسئله مندی شهرها بوده است. خیابان شهر پسا نوگرا به عنوان بستر مکانی همپیوندی انسان و فضا و نیز آغازی بر کنشگری های اجتماعی_ فرهنگی، بالندگی های اقتصادی و تحولات سیاسی همواره در معرض داوری و قضاوت ساکنانش قرار می گیرد. این پژوهش مسئله مندی (پرابلماتیک) منظر خیابان های امروزی را که نشانی از تقلیل در زیبایی شناسی شهری و حذف منظر می باشند، را به چالش می کشد. از این روست که بررسی پرابلماتیک خیابانی همواره دغدغه برنامه ریزان قرن اخیر بوده است. و بر آن است تا در قالب تحقیقی توصیفی با رویکردی پدیدار شناسی و مطالعه ی ماهیتی، خیابانی را بطور مستقیم و با کمک مطالعات میدانی، کتابخانه ای، ارائه ی جدول سوات و مدل

^۱ این مقاله بر گرفته و مستخرجی از پایان نامه نویسنده مسؤل، تحت "عنوان رنسانس خیابانی تبیینی بر بازخوانی حیات اجتماعی بخش مرکزی شهرها، جغرافیای مورد مطالعه بخش مرکزی شهر زنگان " سبزه میدان" می باشد.

مفهومی بر مبنای معیارهای کارکردی، ادراکی و کالبدی منظر شهری راهبردهایی را با استفاده از تکنیک آیدا در قلمرو مطالعاتی تحقیق که یکی از خیابان های شهر زنجان می باشد به انجام رساند.

کلمات کلیدی: منظر، ویرایش خیابانی، خیابان، پرابلماتیک خیابانی، زنجان

۱-۱ مقدمه و بیان مسئله

شهر حماسه ی قهرمانانه ی انسان مدرن است و پرداختن به پرابلماتیک^۲ شهری بدون توجه به خیابان های آن امری ناممکن می باشد، امروزه خیابان های شهر علاوه بر اینکه اسیر در هم تنیدگی ها و تداخل های سواره و پیاده، طراحی های ناندیشیده اتومبیل محور، پیاده روهای ضد پیاده، مشکلات زیست محیطی و آلودگی های ترافیکی هستند، از آشفتگی های بصری، حذف منظر، شکست منظر، فقدان حس تجربه شهری، افول ارزش های بصری، غریبانی فضاهای دیر آشنای شهر، از آنچه که باید باشند و نیستند رنج می برند. خیابان های امروزی از ابتدا با تأثیر از ساختارهای فرهنگی_اجتماعی شکل نگرفته اند در حالی که همواره بر این ساختارها تأثیر عمیقی گذاشته اند (اصغری، حاج فتحعلی، ۱۳۹۱: ۳). چشم انداز خیابانی شهرهای جهان سوم و نیز کشور ما خسته، بی روح و غالباً تک ماهیتی می باشند. در اینجا به واسطه نبود منظر یا شکست منظر در سوی دیگری از خیابان و فقدان تجربه شهر توسط ساکنان اندیشیدن به شهر دشوار است. خیابان شهر پسا نوگرا^۳ به عنوان بستر مکانی همپیوندی انسان و فضا و نیز آغازی بر کنشگری های اجتماعی_فرهنگی، بالندگی های اقتصادی و تحولات سیاسی همواره در معرض داوری و قضاوت ساکنانش قرار می گیرد. خیابان های مدرن امروزی بایستی علاوه بر کالبد عینی بودن بر پیکره ی شهر، ذهنیتی شفاف و خوانا بر تجربه زیسته^۴ شهروندانش باشند. تا زمانی که بین عینیت ها و ذهنیت های شهری همبستگی نزدیکی باشد، امکان خوانش ساختارمند از شهر و منظر عناصر کالبدی آن میسر خواهد بود (منصور رضایی، مدیری، ۱۳۹۱: ۲). آنچه به خیابان های باصلاح مدرن اما بواقع "نامدرن" شخصیت می دهد، منظر است. منظر خیابانی و پترن تمام نمای شهری و اولین رابط شهروند با کالبد فضایی شهر است. از زمانی که شر برنامه ریزی (پیری، عیسی، ۱۳۹۷: کانال تلگرامی) بصورت ناندیشیده دامن برنامه ریزان و طراحان مسائل شهری را فرا گرفت، کیفیت و کمیت منظر شهری_خیابانی نیز تنزل یافته است. درحالی که آلون مؤر^۵ (۲۰۰۶) شهر را پدیده ای می داند که در تعامل با انسان و محیط، رابطه ای چند سویه با منظر شهری و مهم ترین عنصر آن، منظر خیابانی دارد، آتشین بار بهم ریختگی منظر را ناشی از بی نظمی در رفتار شهری و ساختار برنامه ریزی نا درست و منظر زیبا را نشان دهنده رابطه مناسب شهر و شهروند می داند (وحدت و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). خیابان به واسطه منظرش مأوی بر تبلور هویت و حس مکان، تجربه شهری و برانگیختگی خاطرات نستالژیک است. فقدان حس مکان پرابلماتیک دیگری از خیابان است که در رابطه ی مستقیم با تعامل انسانی و محیط شهری، دغدغه نه دیروز و امروز بلکه مسئله مندی حیات اوست. تاوون^۶ (۱۹۸۰) حس مکان را

^۲ به مشکلاتی که بصورت واقعیت های عینی زندگی انسانی در آیند پرابلماتیک گفته می شود

² Problematic

³ Postmodernist

⁴ existence experience

⁵ Alon Mozes

⁶ Taun